

زبان جنسیتی و مواردی از انعکاس کمی و کیفی آن در برخی از فیلم‌نامه‌ها

امیلیا نرسیسیان*

چکیده: یکی از موضوعات مهم در جامعه‌امروزی موضوع جنسیت است که باید آن را به مثابه موضوعی میان رشته‌ای مطرح کرد. از این رو برای درک تفاوت‌ها و یا حتی اشتراکات رفتار زبانی در بین زنان و مردان در جوامع و شرایط فرهنگی متفاوت می‌توان از نتایج تحقیقات رشته‌های متفاوتی چون انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت و غیره استفاده نمود. به نظر می‌رسد که بحث درباره‌ی موضوع جنسیت از دیدگاه طبیعت‌گرایان کهنه شده باشد. چرا که ریشه‌ی خصوصیات روانی زنان و مردان را باید در نوع پرورش آن‌ها در جامعه یافت. شبکه‌های شناختی ویژه‌ای که زنان و مردان از آن تأثیر می‌پذیرند، منتج از تجربیات اجتماعی آن‌ها در روند اجتماعی شدن است. حوزه‌های متفاوت زندگی روزمره از قبیل محیط خانه و مدرسه، کار و تفریح در گذشته و حال در شکل‌گیری تفاوت‌های شناختی آن‌ها بسیار مؤثر است. شکل‌های متفاوت شناختی از طریق فرهنگ و جامعه به هر دو جنس تحمیل می‌شود و گاه شانه خالی کردن از آن ممکن است پیامدهایی ناگوار. فراتر از ظرفیت افراد داشته باشد. رفتارهای زبانی متداول در یک جامعه و فرهنگ لزوماً در جامعه و فرهنگی دیگر مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. مطالعات انسان‌شناسی با تکیه بر بررسی‌های رفتاری در فرهنگ‌های متفاوت ثابت می‌کنند که عامل پرورش بر عامل طبیعت صرف، تفوق دارد. بررسی‌هایی هم که در روان‌شناسی اجتماعی صورت گرفته نشانگر نتایج دقیق و ارزنده‌ای در مورد چگونگی شکل‌گیری «خود» در روند زندگی افراد و تفکرهای اجتماعی آن‌ها است. انسان‌شناسی تعلیم و تربیت نیز با تکیه بر رایج‌ترین کد جوامع متفاوت، یعنی زبان سعی می‌کند تا الگوی رفتاری ویژه جنسیتی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. از نقطه نظر نشانه‌شناسی نیز باید زبان را به صورت دال، که حاوی مدلول و معانی ویژه و قابل تأویل است دید و بررسی کرد. در این مقاله علاوه بر مرور دیدگاه‌های نظری در دنیا و مطالعات انجام گرفته در ایران، مواردی از انعکاس زبان جنسیتی به ویژه کمیت و کیفیت آن در برخی از فیلم‌نامه‌ها که قابلیت تعمیم دارند هم ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اجتماعی شدن، زبان جنسیتی، زبان عامیانه، شیوه‌های قدرتمند زبانی، مهارت کلامی.

مقدمه

زبان به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و عاملی که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان را در طبیعت و نسبت به موجودات زنده‌ی مختلف تشکیل می‌دهد، قادر است مقولاتی متفاوت را که در جامعه‌ی انسانی مطرح هستند به‌طور سیستمی منعکس کند. موضوع جنسیت نیز که در شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی مورد بحث قرار می‌گیرد از این قاعده مستثنی نیست. هدف این مقاله بررسی انعکاس پدیده‌ی جنسیت در زبان به‌طور اعم و در زبان فارسی به‌طور اخص است.

ادعای اصلی که در این مقاله بر اساس بررسی دیدگاه‌های نظری بیان شده است و در دیسپلین‌ها و زمینه‌های مطالعاتی مربوط به علوم اجتماعی و علوم انسانی مورد مذاقه قرار می‌گیرد به‌صورت ذیل قابل بیان است.

در هر زبان که به‌صورت یک سیستم منسجم برای کلیه‌ی سخنوران آن زبان؛ قابل درک، فهم متقابل و به‌کارگیری است و برای مقاصد ارتباطی، تفکر و اجتماعی شدن و دست‌یابی به جایگاه فرهنگی ضروری است، تفاوت‌هایی بارز بر حسب جنسیت سخنور یا به‌کارگیرنده‌ی آن زبان نیز وجود دارد. با توجه به این امر، موضوع زبان جنسیتی در این مقاله به‌صورت میان‌رشته‌ای بحث و تحلیل و سعی می‌شود بر اساس بررسی دیدگاه‌های نظری در سطوح بین‌المللی و مطالعات انجام‌گرفته در ایران، به این سؤال پاسخ داده شود که تفاوت‌های موجود در نحوه‌ی به‌کارگیری و استفاده از زبان در جنسیت‌های مختلف کدامند؟ فرایند با بررسی عوامل تفاوت‌های فردی و جنسیتی و روند اجتماعی شدن و هم‌چنین با توجه به مطالعات انسان‌شناسی، عامل پرورش را در بررسی‌های رفتاری در فرهنگ‌های مختلف مهم‌تر می‌شمرد (فرید، ۱۹۷۸) و نیز بررسی‌های روان‌شناسی اجتماعی در مورد شکل‌گیری مفهوم «خود» در روند زندگی افراد و تفکر اجتماعی آنان (رسالدو، ۱۹۸۰)، بحث بعدی مقاله را تشکیل می‌دهد. از آن‌جا که هدف مقاله فقط مرور دیدگاه‌های نظری مختلف نیست، طبیعتاً در انتخاب نظریات مطرح‌شده کوشش چندانی در رعایت تناسب یا جامعیت نشده است و برعکس، بر دیدگاه‌های نظری بیان‌شده توسط مؤلف در تحقیقات گذشته‌ی خود و هم‌چنین در بررسی‌های مربوط به ایران - در ضمن بررسی و مرور دیدگاه‌های نظری کلی و بین‌المللی - بیشتر تأکید می‌شود. ضمن استفاده از رویکردهای نظری و مرور دیدگاه‌ها در این مقاله، انعکاس زبان جنسیتی در ایران و جلوه‌های این دیدگاه‌های نظری در به‌کارگیری زبان فارسی نیز مورد نظر بوده است که برای این منظور مثال‌هایی از فیلم‌نامه‌هایی آورده شده است که تصادفی انتخاب شده‌اند، به‌ویژه در

زبان جنسیتی و مواردی از انعکاس کمی و کیفی آن در برخی فیلم‌نامه‌ها ۴۳
بحث بعدی مقاله که اختصاص به کمیت و کیفیت زبان جنسیتی دارد. نتیجه‌گیری، پس از بیان رابطه‌ی
ادب و زبان جنسیتی، بخش پایانی مقاله تشکیل می‌دهد که در آن موضوعاتی از قبیل تحلیل گفتمان و
بررسی کنش‌های گفتاری جنسیت‌ها برای تحقیقات تجربی آتی پیشنهاد می‌شود.

جنسیت و نحوه‌ی به‌کارگیری زبان

لابوف از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان و ترودگیل از دیدگاه انسان‌شناسی، سعی کردند تا درباره‌ی زبان جنسیتی^۱
تحقیق کنند (لابوف، ۱۹۶۶؛ ترودگیل، ۱۹۷۲). آن‌ها طی مطالعات خود متوجه شدند که زن‌ها، صرف‌نظر از
موقعیت اقتصادی-اجتماعی، سن و تعلقات گروهی و قومی، بیشتر از مردها تمایل به به‌کارگیری زبان
استاندارد دارند. تعبیر آن‌ها از این یافته بر روند اجتماعی‌شدن در دوره‌ی کودکی دو جنس استوار است.
دخترها در دوران کودکی و در حین روند اجتماعی‌شدن، همواره به‌دلیل به‌کارگیری زبان «خوش‌طرح و
بrazنده»، از سوی گروه هم‌سالان تشویق و تمجید می‌شوند و به پسران نیز اجازه داده می‌شود که بنا بر
موقعیت‌های گوناگون، از زبان عامیانه و گاه خشن استفاده کنند. به‌کارگیری چنین زبانی در محاورات
روزمه نه‌تنها والدین را شگفت زده نمی‌کند، بلکه در مواردی باعث افتخار و موضوعی در خور ستایش
ارزیابی می‌شود.

جنیش، دایسون و لاکف، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان‌شناختی، معتقدند که کنش‌های متفاوت
کودکان در شیوه‌ی گفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد. پسران به بازی‌های جمعی در گروه‌های بزرگ تمایل دارند
که معمولاً تهی از سلسله‌مراتب نیست، در نتیجه آن‌ها در فرایند بازی می‌آموزند که گفتار خود را برای
مجادله و مقابله‌های احتمالی با دیگران تنظیم کنند. دختران در گروه‌های کوچک و معمولاً با همراهی و
هم‌یاری بهترین دوستان (انتخاب‌شده) خود بازی می‌کنند، پس گفتار آن‌ها با چنین افرادی همراه با
صمیمیت و عطف است. آن‌ها سعی می‌کنند حتی‌الامکان از ستیزه‌جویی و درگیری دوری کنند و به
میزان هم‌دلی و دوستی بیفزایند (جنیش و دایسون، ۱۹۸۴؛ لاکف، ۱۹۷۵)

لاور و هاتچسون، در مشاهدات و مصاحبه‌های خود با گروه کودکان مختلط کلاس پنجم، متوجه شدند
که دانش‌آموزان پسر در بازی‌های گروهی شرکت می‌کنند که معمولاً قانون‌مند است و در آن‌ها رقابت وجود
دارد در حالی که دختران تمایل به بازی‌های تکراری در گروه‌های کوچک دارند که در آن، فضای هم‌کاری و

¹ . Genderlect

۴۴ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹
هم‌یاری مستولی است. در بازی‌هایی که مستلزم رعایت قوانین است، دخترها قادرند تا ضوابط بازی را به نفع روابط شخصی زیر پا بگذارند در حالی که پسران سخت پای‌بند رعایت قوانین هستند و تخطی از آن‌ها به آسانی صورت نمی‌پذیرند (لاور و هاتچسون، ۱۹۷۲؛ نرسیسیانس، ۱۳۸۳).

میلروی متوجه شد که تمایل به استفاده از زبان عامیانه بیشتر در پسران وجود دارد تا دختران. چنین رفتاری را می‌توان حمل بر آن کرد که دختران تمایل بیشتری به هم‌سوئی و اتکاء بر هنجارهای اجتماعی دارند. در این تعبیر می‌توان تأثیر دیدگاه جنس‌گرایی به این معنی که جنس مونث به صورت طبیعی تمایل به تبعیت و پیروی دارد را مشاهده نمود (میلروی ۱۹۸۰). از دیدگاه تاریخ زبان‌شناسی نیز می‌توان تعبیرهای دیگری را برای تغییر پدیده‌ی فوق‌قایل شد. زبان‌ها بر اساس شکل‌های عامیانه‌شان است که غنی می‌شوند و تکامل می‌یابند. انواع غیراستاندارد زبان‌های نسل گذشته قابلیت این را دارند که در شرایط ویژه تبدیل به زبان استاندارد نسل بعدی شود.

گفتار بر پایه‌ی اشکال غیراستاندارد، شیوه‌ای است برای ابراز دو پدیده‌ی اجتماعی که عبارتند از: آزادی انتخاب گفتار و قدرت خلاقیت در زبان. دو پدیده‌ای که معمولاً زنان را از آن‌ها بر حذر می‌کنند. هنوز فراموش نکرده‌ایم که زن‌ها همواره برای استفاده از زبان «خوش‌طرح و برازنده» است که تشویق می‌شوند؛ نوعی از زبان که خصوصیات گفتار عامیانه در آن راه ندارد.

هنگامی که مردان به استفاده از زبان قوی و قدرت‌مند تشویق می‌شوند که همراه با خلاقیت و بدعت است، زن‌ها در نوعی از زبان که تاریخ برای آن‌ها رقم زده‌است محبوس هستند (فیشر، ۱۹۵۸).

زبان در روند اجتماعی شدن

نمی‌توان عامل تفاوت‌های فردی و تفاوت‌های جنسیتی که به پیچیدگی نوع گفتار دامن می‌زنند و در روند گزینش گفتار تأثیر می‌گذارند را نادیده گرفت و نیز نمی‌توان منکر این شد که روند اجتماعی شدن بر هر دو جنس تأثیرات گوناگون می‌گذارد (فرید، ۱۹۷۵). برای مثال، تحمل رفتار گفتاری به اصطلاح دخترانه برای پسران، از سوی والدین و جامعه قابل قبول نیست و مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و معمولاً با تعبیری سخیف توأم است (ادواردز، ۱۹۸۱). کودکان در روند اجتماعی شدن به‌خوبی با رفتارهای مناسبی که جامعه از آن‌ها انتظار دارد آشنا می‌شوند و آن‌ها را در زندگی روزمره‌ی خود و در حوزه‌های متفاوت عملاً پیاده می‌کنند. تحقیقات در مورد جنسیت نشان می‌دهد که بروز رفتارهای مردانه از سوی زنان، به

زبان جنسیتی و مواردی از انعکاس کمی و کیفی آن در برخی فیلم‌نامه‌ها ۴۵
مراتب از سوی جامعه پذیرفته‌تر است تا رفتارهای عکس که معمولاً با سرزنش و مسخره شدن همراه
می‌باشد (همان، ۱۹۷۹ و ۱۹۸۱).

چنین بازتابی از طرف جامعه ممکن است ریشه در برنامه‌ی پنهانی و غیرمکتوب داشته باشد که در
نظم اجتماعی وجود دارد که بر پایه‌ی آن، فرهنگ مردانه (که خود ناشی از تحمیل‌های اجتماعی) است از
قبیل منطقی بودن، در تقابل با احساساتی و عاطفی بودن نیز تشویق می‌شود و در نتیجه، در حوزه‌های
متفاوت فرهنگ نمود بارزتر و قابل‌پذیرش‌تری به‌خود می‌گیرد. «فرهنگی که پایه در سلطه‌ی مردانه و
تحمیل‌های اجتماعی دارد از طریق تاریخ و اسطوره به‌صورت قوانین پنهانی و گاه غیرمکتوب در جامعه
رخنه می‌کند و به‌صورت هنجار حاکم و غیرقابل‌تغییر در می‌آید» (ستاری ۱۳۸۳، حیات اجتماعی، ۱۳۶۹).
لاکف معتقد است که زن‌ها در صحبت‌های خود از شیوه‌های «قدرت‌مند» مردانه که نه‌تنها نشان‌دهنده‌ی
خلاقیت زبان‌شناختی، بلکه نشان‌دهنده‌ی «مهارت کلامی و اقتدار» مردانه است استفاده نمی‌کنند و اصولاً به
سبب موقعیت و منزلت اجتماعی خود فاقد دسترسی به آن و نتیجتاً فاقد فرصت‌های به‌کارگیری و تمرین از
آن‌ها هستند (لاکف، ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵). برای نمونه به قسمتی از گفتگو بین زن و مرد، برگرفته از فیلم‌نامه‌ی
«دنیا» اثر فرهاد توحیدی، توجه کنیم:

روز. خارجی / داخلی - خیابان، آژانس املاک

.... در ورودی آژانس به‌شدت باز می‌شود. دنیا برافروخته وارد آژانس می‌شود. راهنمای جوانی پشت
سر او وارد می‌شود. راهنما آشفته و نگران به نظر می‌رسد ...

دنیا آقای عزیز! من دنبال یه خونگی بزرگ می‌گردم نه شوهر.

حاجی خب به سلامتی ...

دنیا پس چرا راهنمای شما عوض نشون دادن خونه، تو ماشین داره از من

خواستگاری می‌کنه؟

حاجی راهنمای من؟ غلط می‌کنه. کدومشون؟ (برافروخته ... بیرون می‌رود) ...

دنیا صدای یک سیلی می‌شنود صدای حاجی به گوش می‌رسد ...

صدای حاجی آبروی منو می‌بری؟ برو گمشو... عوضی....

۴۶ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹
صدای باز شدن در و بعد، به هم زدن محکم آن به گوش می رسد.

صدای حاجی آرام‌تر) از همه برادرا و خواهرها، آقایونا، خانومای محترمه معذرت می‌خوام.
بخشید بفرمایید حاجی وارد می‌شود.

دنیا من نمی‌خواستم این جور ی بشه.
حاجی اینجا یه بنگاه آبرومنده خانم جون. وقتی با آبروی بنگاه بازی می‌کنن، من که
نمی‌تونم دست روی دست بذارم. یه بز گر یه گله رو....

دنیا من فقط می‌خواستم شما یه تذکر بهش بدید.

(توحیدی، ۱۳۸۲: صص ۲۱-۲۰)

الگوهای مکالمه و مصاحبه بین دو جنس می‌تواند مانند دال، شکل و انعکاسی باشد از یک مدل، معنی یا واقعیت اجتماعی و انعکاسی باشد از فقدان توازن و تساوی اجتماعی دو جنس زن و مرد در جامعه. در دنیای امروز نیز بیشتر، مردان کنش‌گران اصلی در حوزه‌های گفتاری هستند. با مشاهده برنامه‌های خبری تلویزیون می‌توان به سادگی پی به این موضوع برد که واقعیت‌های اجتماعی و قالب‌های فرهنگی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، ساخته و پرداخته‌ی مردان در سطوح بومی و جهانی است. مردان فرهنگ خود را با استفاده از شیوه‌های کلامی به فرهنگ و سیستم‌های تعاملی ویژه و مسلط تبدیل می‌کنند.

کمیت و کیفیت زبان جنسی

یکی دیگر از حوزه‌های جالب در تحقیقات انسان‌شناسی زبان‌شناختی، موضوع کمیت صحبت‌های ارایه‌شده از سوی دو جنس است. عقیده‌ی رایج این است که زنان پرحرف‌تر از مردان هستند، موضوعی که

زبان جنسیتی و مواردی از انعکاس کمی و کیفی آن در برخی فیلم‌نامه‌ها ۴۷
تحقیقات انسان‌شناسی نسبت به آن بی‌تفاوت نیست. انسان‌شناسان زبان‌شناختی با نشان دادن سه تصویر
به گروهی از زنان، دختران و پسران دانشجو خواستند تا آن‌ها را توصیف کنند. نتایج تحقیق نشان داد که
دانشجویان پسر برای توصیف هر تصویر به‌طور متوسط سیزده دقیقه و دختران دانشجو به‌طور متوسط
سه دقیقه و هفده ثانیه وقت گذاشته‌اند (Scherer and Giles, 1979).

تحقیقات و مشاهدات دیگر نشان‌گر این موضوع است که مردان تمایل به صحبت کردن در مجامع
عمومی دارند؛ مجامعی که مردان برای ابراز افکار و شگردهای مهارت‌های کلامی خود با یک‌دیگر به
رقابت می‌پردازند و معلومات خود را در این فرصت به رخ یک‌دیگر می‌کشند. به همین دلایل آن‌ها کمتر
درگیر محاورات در مجامع خصوصی می‌شوند در صورتی که عکس این وضعیت در مورد زن‌ها صادق
است (نرسیسیانس، ۱۳۸۳). در ذیل به نمونه‌هایی از دیالوگ در فضای عمومی، برگرفته از فیلم‌نامه‌ی
شام آخر به قلم فریدون جیرانی و فیلم‌نامه‌ی زیر پوست شهر به قلم رخشان بنی‌اعتماد، توجه می‌کنیم تا
به رفتار گفتاری دو جنس در فضای عمومی پی ببریم.

سالن اجتماعات دانشکده‌ی معماری

میهن مشرقی، زنی ۴۵ساله با عینک ذره‌بینی، ایستاده پشت تریبون و برای دانشجویان سخنرانی
می‌کند.

خانم مشرقی ... جوان (پسر)

میهن نگاهش می‌کند.

بله ... میهن

جوان

می‌تونم این‌جا سؤال بپرسم؟

میهن

سؤال بله، ولی اگه بخوای بحث راه بندازی من امروز وقت ندارم...

من اصلاً نمی‌خوام بحث کنم، فقط می‌خوام جواب سؤالمو بگیرم.

جوان

۴۸ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹

میهن بگو

چرا با این که بیست و سه ساله ... جوان

دختر جوانی در حالی که سرش را به سر دختر دیگری که کنارش نشسته نزدیک می کند ...

دختر جوان مانی باز شلوغ کرد.

(جیرانی، ۱۳۸۰: ۲۱-۱۹)

روز- داخلی- اطاقی در کارخانه‌ی بافندگی

نمای نزدیک زن میان سال بر صفحه‌ی تلویزیون که به دوربین نگاه می کند.

گزارش گر شما اهمیت نقش زنان کارگر را در انتخابات مجلس که پیش روی

ماست چگونه می بینین؟

زن با دستپاچگی جلوی دوربین قرار می گیرد و شروع به حرف زدن می کند.

زن اهمیت نقش زنان ... شغل‌هایی که زنان دارن بیمارستان‌ها،

کارخونه‌جات ... باید توجه بشه به اونا ... زن‌هایی که زحمت می کشن

....

در گردش دوربین، جمع زنان کارگر در کنار گزارش گر دیده می شوند که به زن مصاحبه شونده کمک

می کنند تا حرفش را بهتر بزند. زن سعی می کند منظورش را توضیح بدهد گزارش گر حرف او را قطع می کند.

گزارش گر می بخشید خواهر ... به نمایندگانی که رأی می دید از شون چه

انتظاری دارید؟

زن انتظار ما از نمایندگان اینه که با خدا باشند، باتقوا باشند، مسکن و

پیمه رو بدونن، بازنشستگی ...

گزارش گر خیلی ممنون خواهر

زن از جا بلند می شود.

زن کارگر دیگر چرا پا شدی طوبیا؟

طوبیا خسته شدم، من نمی تونم بگم، جلوی دوربین آدم لالمونی می گیره.

شما بگو خانم رحمانی.

زبان جنسیتی و مواردی از انعکاس کمی و کیفی آن در برخی فیلم‌نامه‌ها ۴۹
(لاهیجی، ۱۳۷۹: ۱۸-۱۷)

موضوعات صحبت نیز بنابر سلیقه‌ی مردان ارزش‌گذاری می‌شود، موضوعاتی از قبیل سیاست، ورزش، انواع اتومبیل، مسائل اقتصادی و کسب‌وکار به مراتب جدی‌تر و مهم‌تر از موضوعات مربوط به تغذیه، پرورش نسل آینده و وضعیت تحصیلی فرزندان است یعنی همان موضوعاتی که عموماً کالبد صحبت زنانه را تشکیل می‌دهد. در فیلم زیر پوست شهر شاهد دیالوگ‌هایی هستیم که می‌توانند در تأیید آن‌چه در سطور فوق آمده است، مورد استفاده قرار گیرد.

روز- داخلی- دفتر مهندسین مشاور، دفتر مدیریت

مردی (آقا) په می‌بینی آقای دکتر چه‌جوری مغز جوون‌های این مملکت رو کار می‌گیرن، الان اون‌جا پر برزیلی و بنگلادشیه. دیگه ایرونی می‌خوان چیکار؟ زرنگ باشی و چشم و گوش‌تو وا کنی هیچ کجا بهتر از این‌جا پول در نمی‌آد.

(لاهیجی، ۱۳۷۹: ۳۶)

صدای فریاد مردی من دارم می‌گم اگه هر کدوم یکی گذاشتن وسط، من پنجاه تا، می‌خواین پامو بکشم کنار ... ببینم کدوم‌تون مردین یه طبقه اینو به سفت‌کاری برسونین؟ آقای دکتر شما هم از پیشش بر نمی‌یای کارو بگیر از دستش ... یکی دیگه رو بذار ... چیزی که تو این مملکت ریخته مهندس ... نوبرشو که نیاورده.

(همان‌جا، ۶۴)

روز- داخلی / خارجی- اتوبانی در شهر

ناصرخان راست کارتو بگیر پسر. مردی کارش ایراد داره. ظاهرش تو کار صادراته، اما پشت قضیه یه چیز دیگه‌اس همه از ترکیه لباس می‌آرن، این می‌گه من لباس عروس می‌فرستم از استانبول

۵۰ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹

کریستال وارد می‌کنم، دروغ می‌گه سگ‌پدر، دروغ ... دور و برش هم

نپلک، حالیه؟

(همان‌جا، ۶۵)

سکوت مردان در محیط خانه نیز تأکیدی است بر بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به موضوعات به اصطلاح پیش‌پاافتاده و بی‌ارزش که از طرف خانم مطرح می‌شود. به صحنه‌ای از فیلم دنیا توجه می‌کنیم:

شب. خارجی / داخلی. حیاط / خانه

حیاط دل‌گشای خانه‌ی قدیمی ... معماری دهه‌ی سی تهران ... پنجره‌ی اتاقی روشن است. برش می‌زنیم به اطاق. حاج‌رضا عنایت، تنومند، روی تنها مبل راحتی اتاق نشسته است و عرق‌چینی روی سر گذاشته است. شصت را باید تازه رد کرده باشد. شلوار راحتی‌اش را روی ساق لوله کرده و پاها را تا مچ در لگنچه‌ی آبی می‌گذارد که حاج‌خانم پیش می‌نهد. حاج‌خانم پنجاه‌واندی ساله است.

حاج‌خانم سرد و گرمش کردم.

عنایت پاهایش را در آب ولرم می‌گذارد و کیفور می‌شود. ریحانه دختر نوجوان حاجی با بسته‌ای نمک می‌آید.

حاج‌خانم بده مادر. اندازه‌اش دستت نیست (نمک را می‌گیرد و در لگنچه می‌ریزد.

به ریحانه اشاره می‌کند که برود). هنو تو لبی، هیچی نمی‌گی. هر شب

که پاتو می‌داشتی تو آب می‌گفتی - آخیش ... دستت درد نکنه.

حاجی (سرد و بی‌تفاوت) دستت درد نکنه.

(توجیدی، ۱۳۸۲: ۱۶-۱۵)

انسان‌شناسان در تحقیقات خود بر پایه‌ی مصاحبه‌ها و مشاهدات متوجه شدند که زن‌ها برای درگیر کردن مردان در محاوره و به‌عبارتی دیگر نوعی دعوت از آن‌ها به‌منظور همدمی، از استراتژی‌هایی سازگارتر، از قبیل مطرح کردن «موضوعات ویژه‌ی مردانه» استفاده می‌کنند. چنین استراتژی‌هایی با اهداف صحبت‌های زنان کاملاً همگونی و هم‌سویی دارد چرا که زبان زنانه، زبانی است برای ایجاد رابطه‌ی دوستانه بر پایه‌ی حسن تفاهم. در مکالماتی که زن و مرد درگیر آن هستند، مردان در میانه‌ی صحبت، ابتکار عمل را با قطع صحبت یا تکرار همان موضوع به‌نحوی دیگر یا عوض کردن آن به‌دست

زبان جنسیتی و مواردی از انعکاس کمی و کیفی آن در برخی فیلم‌نامه‌ها ۵۱ می‌گیرند و مانند یک کارشناس متخصص و فردی خبره شروع به اداره‌ی صحبت می‌کنند. واردناف معتقد است که زبان مردان، زبانی است برای حفظ سلسله‌مراتب اجتماعی و حفظ منزلت و استقلال، مردها برای به کرسی نشاندن این اهداف سعی می‌کنند تا مهارت‌های سخنوری، دانش و معلومات خود را به نمایش بگذارند و در حین اطلاعات‌دهی مفید، برای حفظ موقعیت ممتاز خود، از متلک‌پرانی، شوخ‌طبعی، خوار کردن و انتقاد و تصحیح دیگران ابا نداشته باشند (Wardnaugh, 1985).

هنگامی که زنان در مورد روابط متقابل افراد و یا روابط بین شخصی صحبت می‌کنند، از سوی مردان به «غیبت» کردن متهم می‌شوند، ولی هنگامی که مردان راجع به موضوعات فوق می‌خواهند صحبت کنند، آن‌ها را در لفافه، تئوری و افکار تجریدی می‌پیچند و با شکلی کاملاً «علمی» آن‌را مطرح می‌کنند که مبدا در زیر ننگ اتهام «غیبت کردن» خرد شوند (Sudnow, 1972).

زنان و مردان در محاورات رودررو بنا بر تجربه‌ی خویش بر پایه‌ی دو فرهنگ شروع به صحبت می‌کنند. عمده‌ترین تفاوت در این نوع مکالمات مربوط به تمایل و کوشش زن‌ها در حفظ هماهنگی و حفظ روابط می‌شود؛ در حالی که مردان در قبولاندن دیدگاه‌های خود اصرار و پافشاری می‌کنند، زن‌ها سعی می‌کنند تا موضوع صحبت را برای نتیجه‌گیری‌ها باز بگذارند. زن‌ها نظرات و ایده‌های خود را به صورت شک و تردید بیان می‌کنند و ابراز موضوعی با قطعیت کامل در مکالمات آن‌ها کمتر دیده می‌شود (لاور و هاتچسون، ۱۹۷۲). دیالوگ زیر از فیلم‌نامه‌ی زیر پوست شهر می‌تواند نمونه‌ای گویا از مطلب فوق باشد.

شب- داخلی - اتاق خانواده

عباس به اطاق می‌آید، حمیده صورتش را از عباس پنهان می‌کند. لحظه‌ای نگاه‌شان به هم گره می‌خورد.

عباس

سرتو برگردون ببینم.

حمیده سرش را پایین می‌اندازد. عباس با صدای بلند می‌گوید.

عباس

گفتم ببینم.

حمیده به گریه می‌افتد.

عباس

می‌مونی با بجهت همین جا. تا من تکلیف این مرتیکه رو روشن کنم.

حالیته شد؟

۵۲ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹
حمیده
تو رو خدا کار رو خراب تر نکن داداش. اون بیچاره هم کمرش زیر بار
قرض شکسته.

عباس
بی جا می‌کنه دق دلی شو سر تو خالی می‌کنه.
بغض حمیده می‌ترکد.

حمیده
خدا منو بکشه که هم باید خفت اون طرفو بکشم هم این ور
محبوبه او را در بغل می‌گیرد.

(لاهیجی، ۱۳۷۹: ۴۴)

لاکف چنین الگوهای رفتاری را نشانی از «بی‌اعتمادی» زن‌ها به خود و نوعی «نیاز به پشتیبانی و حمایت» از طرف دیگران تعبیر می‌کند (لاکف، ۱۹۷۵). فیشمن معتقد است که چنین رفتاری همراه با «استراتژی ماهرانه‌ای» از سوی زن‌ها برای به دام انداختن مردان در تله‌ی محاورات و مشارکت آن‌ها در مصاحبت است (فیشمن، ۱۹۸۱). هولمز معتقد است که چنین کنشی از طرف زن‌ها به‌علت به‌کارگیری کدهای ادبی است که اجتماع از آن‌ها انتظار دارد (هلمز، ۱۹۹۰).

ادب و زبان جنسیتی

انسان‌شناسان با مطالعه‌ی جوامع متفاوت گزارش می‌دهند که زن‌ها نسبت به مردها مؤدب‌تر هستند. هرچند امروز ادب به‌عنوان پدیده‌ای ارزش‌مند در جامعه تلقی می‌شود، اما در گذشته، نشانه‌ای از خواری و سرشکستگی فرد بوده است. کارکرد اصلی ادب؛ در بازشناسی جایگاه و منزلت والای افراد در سلسله‌مراتب اجتماعی است. زنان از دیرباز، هنگام مخاطب قرار دادن پدران و همسران خود از کدهای احترام رایج در فرهنگ استفاده کردند، کدهایی که هنوز در زبان فارسی امروز در بین تهرانی‌های طبقه‌ی متوسط و بالا برجا است. از آن‌جا که رابطه‌ی زنان و جنسیت بر همبافت استوار است، تعبیر ابزار ادب از سوی زن‌ها به‌خصوص در جوامع پدرسالار و سنتی توجیه‌پذیر می‌شود.

زبان جنسیتی و مواردی از انعکاس کمی و کیفی آن در برخی فیلم‌نامه‌ها ۵۳

نتیجه‌گیری

بر اساس تحقیقات متعدد در مورد کنش‌ها و رفتارهای زبانی افراد از دیدگاه انسان‌شناسی زبان و مشاهده‌ی فیلم‌ها با انتخاب تصادفی، به‌عنوان بازتابی از واقعیت‌های اجتماعی به نظر می‌رسد که در شیوه‌ی گفتار زن‌ها و مردها تفاوت‌هایی وجود دارد.

مردان در تعاملات گفتاری خود اصرار دارند به اهداف خویش برسند در حالی که زن‌ها با به‌کارگیری شیوه‌هایی بر پایه‌ی همکاری، سعی در ایجاد انسجام گروهی دارند. مردها تمایل به کنترل و مدیریت کنش گفتاری و موضوع مورد بحث دارند و می‌خواهند به نتایجی روشن و مشخص برسند در حالی که زن‌ها در پی ایجاد هماهنگی و سازگاری هستند و معمولاً موضوع صحبت را برای نتیجه‌گیری‌ها باز و آزاد می‌گذارند. به نظر می‌رسد که گفتار زن‌ها و مردها بر اساس تجربه‌ی آن‌ها در روند اجتماعی‌شدن شکل می‌گیرد و رشد می‌کند. در این مقاله بر اساس بررسی الگوهای نظری مختلف - که شیوه‌های متفاوت سخن گفتن زنان و مردان را نه به‌صورت ذاتی هر جنس، بلکه به مثابه پدیده‌ی اجتماعی تبیین می‌کنند - نمونه‌هایی از گفتار جنسیتی برگرفته از فیلم‌نامه‌ها ارائه می‌شود که در آن‌ها کوشش در تأکید بر حفظ سازگاری در گفتار زنان و کنترل نتیجه در سخنان مردان ملاحظه می‌شود. بازتاب چنین تجربه‌هایی را می‌توان در تحلیل گفتمان دو جنس و در کنش‌های گفتاری آن‌ها نیز مشاهده کرد که می‌تواند موضوع تحقیقات آتی باشد.

منابع

لاهیجی، شهلا (۱۳۷۹) زیر پوست شهر، رخشان بنی اعتماد، فرید مصطفوی، کالبد شکافی یک اثر سینمایی، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

توحیدی، فرهاد (۱۳۸۲) دنیا، بر اساس طرحی از علی روئین تن، تهران: انتشارات توفیق آفرین.

جیرانی، فریدون (۱۳۸۰) شام آخر، تهران: انتشارات توفیق آفرین.

حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران (۱۳۶۹) دفتر اول، قبل از اسلام، دفتر پژوهش‌های فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی - سینمایی.

ستاری، جلال (۱۳۸۴) سیمای زن در فرهنگ ایرانی، تهران، انتشارات مرکز.

نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۳) مردم‌شناسی جنسیت، تهران، نشر افکار.

- Edwards, J. R.** (1979). *Language and Disadvantage*. London: Edward Arnold.
- (1981). *Analysing Classroom Talk*. In P. French and M. Maclure (eds), *Adult - Child Conversation*, London: Groom Helm.
- Fishman, J.A.** (1981). *Language Policy: Post, Present, and Future*: In Ferguson and Health.
- Fisher, J. L.** (1958). *Social Influence in the Choice of a Linguistic Variant*. *Word*. 14: 47-56.
- Fried. E.** (1975). *Women and Men: An Anthropologists View*: New York: Holt Richard and Winston.
- Fried, E.** (1978). *Society and Sex Roles*. Human Nature Magazine Human Nature Inc.
- Genish. C. and A.H. Dyson** (1984). *Language Assessment in the Early Years*. Norwood. J.A. Ablex.
- Holmes, Janet** (1990). *Hedges and Boosters in Women's and Men's Speech*. *Language and Communication* 10 (3) 85: 205.
- Labove. W.** (1966). *The Social Stratification of English in New York City Washington DC*. Center for Applied linguistics.
- Lakoff, R.** (1973) *Language and Women's Place*. *Language in Society* 2: 45-80.
- (1975). *Language and Women's Place*. New York: Harper and Row.
- Laver, J. and S. Hutcherson (eds)**. (1972). *Communication in Face to Face Interaction*. Oxford: Basil Blackwell.
- Milroy., L** (1980). *Language and Social Networks*. Oxford: Basil Blackwell.
- Rosaldo, M.** (1980). *Knowledge and Passion: Notions of Self and Social Life*. Stanford; Stanford University Press.
- Scherer, K. R. and Giles (eds)**. 1979. *Social Markers in Speech*. Cambridge: Cambridge University press.
- Sudnow, D.** (ed) 1972. *Studies in Social Interaction*. New York: Free Press.
- Trudgill, P.** (1972). *Sex, Covert Prestige and Linguistic Change in the Urban British English of Norwich*. *Language and Society*, 1: 179-95.
- Wardnaugh, R.** (1985) *How Conversation Works*. Oxford: Basil Blackwell.